

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی

بررسی متن اوستایی فرگرد ۱۲ و ندیداد

نگارش: نرگس آران

استاد راهنما: دکتر اورنگ ایزدی

استاد مشاور: دکتر محمد تقی راشد محصل

رساله برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

بهمن ۱۳۹۰

چکیده

رساله‌ای که پیش رو دارید، به بررسی متن اوستایی و زند فرگرد ۱۲ وندیداد می‌پردازد. این فرگرد ۲۴ بند دارد که موضوع آن مربوط به زمانی است که نزدیکان فرد از دنیا می‌روند و اطرافیان باید سوگواری کنند؛ زمانی که با توجه به رابطه خویشاوندی تعیین می‌شود. متن اوستایی رساله از «اوستای گلدنر^۱» آورده شده و دستنویس‌هایی که گلدنر در پاورقی کتاب خود آورده، در این متن، به صورت پانویس نوشته شده است. آوانویسی رساله بر اساس روش هوفمان^۲ انجام شده و «واژه‌نامه ایرانی باستان بارتولومه^۳» اساس کار در ترجمه واژه‌ها قرار گرفته است. لازم به ذکر است نویسنده ترجمه‌های موجود از ۲۴ بند فرگرد را که توسط «داعی الاسلام»، «دار مستتر» و «دوستخواه» صورت گرفته، مطالعه کرده اما در عین حال تلاش داشته تا ترجمه‌ای وفادار به متن، معنی و نقش نحوی واژه‌ها، ارائه کند که برای این منظور، تفاوت‌های موجود در ترجمه‌های موجود و ترجمه ارائه شده، به صورت پانویس در رساله آمده است. تحلیل صرفی و نحوی واژه‌ها هم که در واژه‌نامه نوشته شده، با توجه به «دستور زبان اوستایی جکسون^۴» صورت گرفته است. همچنین ریشه‌های ایرانی باستان فعل‌ها را از کتاب «ریشه‌شناسی فعل‌های ایرانی چیونگ^۵» گرفته و آنها را در واژه‌نامه به این صورت [***]، مشخص کرده‌ام. به علاوه، متن زند عیناً از نسخه «دستور هوشنگ جاماسپ^۶» وام گرفته شده و آوانویسی آن نیز بر اساس روش مکنزی، نوشته شده است. نگارنده برای ارائه رساله‌ای بهتر و مدون‌تر، متن زند «هوگ و وست^۷» را نیز - که توسط آنکلساریا^۸ به انگلیسی ترجمه شده - خوانده و در ترجمه متن زند و اوستایی از

۱. Geldner

۲. Hoffman

۳. Bartholomae

۴. Jackson

۵. Cheung

۶. Jamasp

۷. Haug & West

۸. Anklesaria

آن کمک گرفته است ولی از آنجاکه آوانویسی آن دیگر مرسوم نیست، از آوردن آوانویسی این کتاب خودداری کرده است.

اما برای ترجمه واژه‌های پهلوی از «فرهنگ پهلوی مکنزی»^۹ استفاده کرده و این واژه‌ها را با «واژه‌نامه پهلوی وندیداد» نوشته کاپادیا^{۱۰} مطابقت دادم و تفاوت‌های آنها را در معنی و مفهوم به صورت پانویس در ترجمه متن زند ذکر کرده‌ام. همچنین برای بهره‌وری بهتر در انتهای رساله، واژه‌نامه اوستایی و فهرست واژه‌های زند - اوستایی را ارائه کرده‌ام؛ در این واژه‌نامه، در بخش اسم‌ها، ابتدا ستاک و در بخش افعال، ریشه‌ها آورده شده و سپس ذیل آنها نقش نحوی و بسامد واژه آمده است. معادل زند واژه نیز نوشته شده اما اگر یک واژه اوستایی، در متن زند معادل نداشته، با علامت ؟ مشخص شده است. نکته مهم دیگر آنکه در فهرست زند، ابتدا واژه پهلوی، سپس معادل اوستایی آن و بعد هم معنای واژه آمده و همانند مورد قبل، اگر یک واژه زند، در متن اوستایی معادل نداشته، با علامت ؟ مشخص شده است.

کلید واژه‌ها: فرگرد ۱۲ وندیداد، زبان اوستایی، زند، واژه‌نامه اوستایی، فهرست زند.

^۹. Mackenzie
^{۱۰}. Kapadia

فهرست مطالب:

بخش ۱:

- ۱-۱ مقدمه..... ۶
- ۲-۱ طرح مسأله..... ۶
- ۳-۱ ضرورت و اهداف تحقیق..... ۷
- ۴-۱ روش‌های تحقیق..... ۸
- ۵-۱ پیشینه تحقیق..... ۹

بخش ۲:

- ۱-۲ اوستا..... ۱۰
- ۲-۲ خط و زبان اوستایی..... ۱۴
- ۳-۲ حروف اوستایی و آوانویسی هوفمان..... ۱۷
- ۴-۲ ونیداد..... ۱۸

بخش ۳:

- ۱-۳ متن اوستایی..... ۲۰
- ۲-۳ آوانویسی متن اوستایی..... ۲۷
- ۳-۳ ترجمه متن اوستایی..... ۳۱

بخش ۴:

- ۱-۴ متن زند..... ۳۷
- ۲-۴ آوا نویسی متن زند..... ۴۲
- ۳-۴ ترجمه متن زند..... ۴۶

بخش ۵:

- ۱-۵ واژه نامه اوستایی..... ۵۲

۲-۵ فهرست زند-اوستایی ۶۴

منابع..... ۷۸

بخش ۱

۱-۱- مقدمه

این پایان‌نامه به بررسی زبانی و درونمایه فرگرد ۱۲ وندیداد می‌پردازد. متن اوستایی و متن زند این فرگرد خوانده و ترجمه شد. ترجمه اوستایی ارائه شده با ترجمه‌های موجود مقایسه شده و ترجمه متن زند با ترجمه متن اوستایی مقایسه شده است. این مقایسه‌ها به صورت پانویس آورده شده است. واژه‌های اوستایی تحلیل شده و با واژه‌های پهلوی مقایسه شده است. این فرگرد که ۲۴ بند دارد، به موضوع میزان زمانی که خویشاوندان و نزدیکان فرد از دنیا رفته، باید سوگواری کنند؛ می‌پردازد. میزان این زمان با توجه به نزدیکی یا دوری خویشاوندی متفاوت است.

۲-۱ طرح مسأله

به دلیل دشواری زبان اوستایی، معمولاً دانشجویان رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی کم‌تر به بررسی‌های زبانی این زبان پر رمز و راز روی می‌آورند اما این مسأله بر عالمان این رشته پوشیده نیست که تا زمانی که دانشجویی بر زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه تسلط نداشته باشند، در آینده نمی‌تواند به تحقیقات گسترده‌تری دست یابد. بدین ترتیب موضوع بررسی زبانی یکی از قسمت‌های اوستا را انتخاب کردم تا شاید بتوانم قدم کوچکی در شناخت زبان اوستایی و استفاده از منابع آن، که کاری بسیار تخصصی محسوب می‌شود، بردارم.

۱-۳ ضرورت و اهداف تحقیق

با اینکه رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی سال‌هاست در ایران پایه‌گذاری شده و پژوهشگران پرشماری را پرورش داده، شاید بتوان گفت هنوز زبان اوستایی که یکی از زبان‌های ایرانی باستان است، به بررسی‌های موردی و مقایسه‌ای بیشتری نیاز دارد چراکه زبان اوستایی سرشار از پیچیدگی‌هایی است که هنوز برای محققان این رشته رمزگشایی نشده و تا کشف این پیچیدگی‌ها، راهی بس طولانی پیش روی آنهاست. بدین ترتیب، ابتدا باید زبان‌های ایرانی باستان را به خوبی شناخت تا بتوان در مراحل بعد و در سایه این شناخت، به بررسی‌های اسطوره‌ای که علم نوپایی در ایران به حساب می‌آید، پرداخت. به دلیل اینکه وندیداد، از جمله نسک‌های دوره ساسانی محسوب می‌شود که به طور کامل به دست ما رسیده، نگارنده تصمیم گرفت به بررسی یکی از فرگردهایی بپردازد که تاکنون به زبان فارسی به طور جدی به آن پرداخته نشده است. هدف از این انتخاب، بررسی جداگانه زبان اوستایی فرگرد ۱۲ بود اما بنابر تشخیص استادان راهنما و مشاور، متن زند آن را هم مورد بررسی قرار داده و واژه‌نامه جداگانه‌ای نیز برای آن ارائه کرده‌ایم.

۴-۱ روش‌های تحقیق

روش به کار برده شده در این پایان نامه، کتابخانه‌ای است. بدین ترتیب که ابتدا خط اوستایی و پهلوی با استفاده از فونت‌های موجود، تایپ شد که گرچه کاری سخت و وقت‌گیر بود اما به زیبایی کار کمک شایانی کرد. پس از آن آوانویسی متن از روی اوستای گلدنر^{۱۱}، به روش هوفمان^{۱۲} به ترجمه کلمات و تشخیص نقش نحوی آنها با کمک واژه‌نامه ایرانی باستان بارتولومه^{۱۳} پرداخته شد. برای نکات گرامری از دستور زبان اوستایی جکسون^{۱۴} استفاده شد. سپس متن زند از روی نسخه دستور هوشنگ جاماسپ^{۱۵} و متن زند آن از روی ترجمه انگلیسی انکلساریا^{۱۶} - که از کار هوگ و وست^{۱۷} انجام داده است - بررسی شد. متن آوانویسی شده اوستایی ترجمه شد و در ترجمه، معنی ای که بارتولومه از هر کلمه داده است؛ اساس کار قرار داده شد. تفاوت‌هایی که در ترجمه‌های موجود از دوستخواه و دارمستتر - که موسی جوان آن را به فارسی برگردانده است - و داعی الاسلام وجود دارد، جداگانه آورده شده است. دستنویس‌های این فرگرد که گلدنر در پاورقی خود آورده است، به صورت پانویس در خود متن اوستایی آورده شده است.

متن آوانویسی شده پهلوی با توجه به فرهنگ پهلوی مکنزی^{۱۸}، ترجمه شد و متن زند نیز در ترجمه مورد توجه قرار گرفته شد. تفاوت‌هایی در متن اوستایی با متن زند وجود داشت که این موارد به صورت پانویس آورده شده است. همچنین واژه‌های

^{۱۱}. Geldner

^{۱۲}. Hoffman

^{۱۳}. Bartholomae

^{۱۴}. Jackson

^{۱۵}. Hoshang Jamasp

^{۱۶}. Anklesaria

^{۱۷}. Haug & West

^{۱۸}. Mackenzie

پهلوی از «واژه نامه پهلوی وندیداد» نوشته کاپادیا^{۱۹} دیده شد و تفاوت های معانی به صورت پانویس در ترجمه متن زند آورده شده است.

در واژه نامه اوستایی، درمورد اسم ها، ابتدا ستاک، سپس نقش نحوی آنها و در مورد فعل ها، ابتدا ریشه؛ صورت های صرفی آنها آورده شده است. ریشه ایرانی باستان فعل ها که از کتاب ریشه شناسی فعل های ایرانی چیونگ^{۲۰} دیده شده؛ به این صورت [*]، آورده شده است. در برابر هر واژه، معادل زند آن نیز آمده است و اگر واژه اوستایی معادلی در متن زند نداشته است، با علامت ؟ مشخص شده است.

در فهرست زند-اوستایی، ابتدا واژه پهلوی، سپس معادل اوستایی آن در متن، آورده شده است.

۵-۱ پیشینه تحقیق

پس از جستجو در بخش پایان نامه های ارائه شده در سایت مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، دانشگاه تهران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تنها پایان نامه زیر در بخشی از کار خود به فرگرد ۱۲ وندیداد - فقط متن زند آن - پرداخته بود:

- وندیداد پهلوی، فرگردهای ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴. متن پهلوی، اکبرزاده، داریوش. دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.

که به این ترتیب، رساله پیش رو، یک کار ترجمه ای تقریباً نو به حساب می آید.

^{۱۹}. Kapadia

^{۲۰}. Cheung

بخش ۲

۱-۲ اوستا

اوستا نام کتاب مقدس زردشتیان است، واژه اوستا در زبان پهلوی به صورت $p(y)st'k$ نوشته و *apastāk* (نیبرگ، ۱۹۷۴، ص ۲۴) یا *abestāg* (مکنزی، ۱۹۷۱، ص ۳) آوانویسی می‌شود. این واژه در متون زبان اوستایی نیامده است (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۳۵) بنابراین وجه اشتقاق آن دقیقاً روشن نیست و محققان در مورد آن نظرات متفاوتی ارائه کرده‌اند. آندرناس^{۲۱} آلمانی این واژه را از ایرانی باستان *-upa-stā** (از $\sqrt{stā}$: ایستادن) می‌داند و آن را «متن اصلی» یا «پایه» معنی می‌کند (گلدنر، ۱۸۹۶-۱۹۰۴، ج ۲، ص ۲). اما بارتولومه واژه *abestāg* را از ایرانی باستان *-upa-stāvaka** (از \sqrt{stav} : ستودن) به معنی «ستایش» یا «نیایش» دانسته است (کلنز، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۳۵). (در مورد کلمه اوستا: بیلی ۶ Acta Iranica)

اروپاییان تا اواخر قرن شانزدهم از دین کهن ایرانیان چندان اطلاع نداشتند ولی در سال ۱۵۹۰ میلادی در پاریس، محقق فرانسوی به نام بارنابه بریسون^{۲۲} کتابی را با عنوان درباره آغاز پارس^{۲۳} تألیف کرد که اطلاعاتی متقن و مفید درباره دین کهن ایرانیان در بر داشت (جکسون، ۱۸۹۲، ص ۱۳). پس از آن، اطلاعات مربوط به ایرانیان و دین آنان، به گزارش‌های جهانگردان اروپایی محدود شد که از میان این جهانگردان، می‌توان به پیترو دل‌واله^{۲۴} (۱۶۲۰م)، تاورنیه^{۲۵} (۱۶۷۸م) و شاردن^{۲۶} (۱۷۲۱م) اشاره

^{۲۱}. Andreas

^{۲۲}. Barnabe Brisson

^{۲۳}. De Persarum Principatu

^{۲۴}. Pitro della Valle

^{۲۵}. Tavernier

کرد (همان). در سال ۱۷۰۰ میلادی، توماس هاید^{۲۷}، محقق دانشگاه آکسفورد، کتابی با عنوان «تاریخ دین کهن ایرانی»^{۲۸} منتشر کرد و محققان اروپایی را در آن به کوشش در یافتن دستنوشته‌های کتب مقدس پارسیان فراخواند (همان). در سال ۱۷۲۳ میلادی، جورج بوچر^{۲۹} انگلیسی، نسخه‌ای از متن اوستایی وندیداد را از پارسیان سورات^{۳۰} هند به دست آورد و آن را به کتابخانه بادلیان^{۳۱} در آکسفورد سپرد (همان جا). چندی بعد در سال ۱۷۵۵ میلادی، آنکتیل دوپرون^{۳۲} به هند رفت و پس از یاد گرفتن زبان اوستایی نزد پارسیان هند، برای نخستین بار اوستا را به زبان فرانسه ترجمه کرد. ترجمه وی با عنوان کتاب زردشت^{۳۳} در سه جلد در ۱۷۷۱ میلادی در پاریس منتشر شد (همان و کلنز، ۱۹۸۷، ج ۳، ص ۴۱).

باید گفت که به طور کلی اوستا، مجموعه‌ای از سروده‌ها، در ستایش اهورمزدا، امشاسپندان، و ایزدان دین زردشتی است. علاوه بر آن، در این کتاب به مسائل مربوط به اعتقادات دینی و اخلاقی نیز پرداخته شده است. به این ترتیب این کتاب به پنج بخش تقسیم می‌شود: یسن‌ها، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا.

- یسن‌ها (*yasna*: نیایش، از *√yaz* ستودن) مجموعه‌ای است از نیایش‌ها که هنگام تهیه و نثار نوشیدنی هوم (نوشیدنی‌ای که ماهیت آن دقیقاً مشخص نیست)، خوانده می‌شود. یسنا را دو روحانی زردشتی - که یکی زوت و دیگری راسپی نامیده می‌شوند - در یک مراسم دینی - که یزش نام دارد - همراه با یکدیگر می‌خوانده‌اند. یسن‌ها از ۷۲ بخش یا هات (به معنی: برش، قطعه) تشکیل شده است. (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۵۹ و ابوالقاسمی، ۱۳۸۶، ص ۵)

- یشت‌ها (*yašti*: ستایش، نیایش) شامل سرودهایی است در نیایش ایزدان اصلی دین زردشت و امشاسپندان که ۲۱ فصل دارد. هر یشت درباره ایزدی است که آن یشت درباره او سروده شده است. درباره منظوم بودن یشت‌ها و نوع نظم آن گفتگوهای بسیاری صورت گرفته اما تا کنون نتیجه خاصی از این

^{۲۶}. Chadin

^{۲۷}. Thomas Hyde

^{۲۸}. Historia Religionis

^{۲۹}. George Bucher

^{۳۰}. Surat

^{۳۱}. Bodleian

^{۳۲}. Anquetil du Perron

^{۳۳}. Ouvrage de Zoroastre

بحث‌ها به دست نیامده است. تنها نکته مهم قابل ذکر آنکه یشت‌های بلند از کرده‌های مختلف تشکیل شده است (همان، همان، ص ۷).

- ویسپرد (*vispa- ratū-*) معنی لغوی ویسپرد، همه ردان یا سروران است. این قسمت از اوستا شامل سرودهایی در ستایش سروران آیین زردشتی است. در دین زردشتی، هر یک از موجودات «ردی» دارند. در جهان مینوی، اهورامزدا و در جهان مادی، زردشت «رد» است. از ردها، گاو سیاه موی زرد زانو، ردِ گاوان است. گندم، ردِ غلاتِ ستبر دانه و بازوبند، ردِ زره هاست. ویسپرد، از ۲۴ کرده یا فصل تشکیل شده و در مراسم دینی همراه با یسنا، خوانده می‌شود. (همان، همان، ص ۶)

- وندیداد (فارسی میانه: *widēwdāt-*) که از نظر لغوی به معنی قانون ضد دیو یا قانون جدایی از دیوان است. موضوع این بخش عموماً راجع به قوانین تطهیر از گناهان است اما فرگرد نخست آن درباره آفرینش و فرگرد دوم آن در مورد داستان جم است. وندیداد نیز از ۲۲ فرگرد یا فصل تشکیل شده است. (همان، همان، ص ۶۱)

- خرده اوستا یا اوستای کوچک، مجموعه‌ای است از اذکار و ادعیه کوتاه که مخصوص مومنان زردشتی است و زرتشتیان آن را در مواقع خاص می‌خوانند. در واقع این بخش از اوستا، خلاصه‌ای از اوستای دوره ساسانی از آذربادمه‌راسپندان، موبدان موبد زمان شاپور دوم است. این بخش همه مطالبی را که زردشتیان در طی زندگی به آن نیاز دارند، در خود جمع کرده است. (همان و همان، ص ۷)

علاوه بر بخش‌هایی که درباره آنها گفتگو شد، قطعاتی هم به زبان اوستایی بر جای مانده که این قطعات عبارتند از: نیرنگستان (احکامی درباره آیین‌های دینی)؛ هیربدستان (احکامی درباره خویشکاری هیربدان)؛ پرسش‌ها (مجموعه‌ای کوچک از پرسش‌ها و پاسخ‌های دینی)؛ *آنوگمَدَئِچا* (لفظاً: فرا می‌خوانیم، رساله‌ای درباره مرگ)؛ هادخت نسک (درباره اهمیت دعای *اَشِم وُهو* و سرنوشت روان پس از مرگ)؛ فرهنگ

اویم-ایوک (واژه نامه اوستایی- پهلوی)؛ آفرین زردشت (دعایی کوتاه از زبان زردشت به گشتاسب) (همان، ص ۷۰)

لازم به ذکر است اوستای دوره ساسانی به سه بخش تقسیم شده و هر یک از این بخش‌ها هفت نسک از ۲۱ نسک اوستا را در برمی‌گیرد که به شرح زیر است:

بخش نخست «گاهانیک» نام دارد و مطالب آن در مورد امور آن جهان است؛ بخش دوم «هاتگ مانسریگ» نامیده می‌شود و مطالب آن، امور آن جهانی و این جهانی را در برمی‌گیرد. «دادیگ» نیز نام بخش سوم است که مطالبی درباره امور این جهان را در خود دارد. وندیداد، یکی از نسک‌های این بخش از اوستا به حساب می‌آید که خوشبختانه به طور کامل بر جای مانده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶، ص ۷).

اما اوستا را بر اساس ویژگی‌های زبانی باید به دو بخش تقسیم کرد.

۱. متون گاهانی که شامل گاهان، یسن‌های هفت فصل و چهار دعا در یسن ۲۷ است. گاهان، قدیمی‌ترین بخش اوستا، ۱۷ سرود دارد که شامل یسن‌های ۲۸ تا ۳۴، ۴۳ تا ۵۱ و یسن ۵۳ می‌شود. گاهان منظوم بوده و شاید بتوان گفت سروده خود زردشت است. تاریخ سرایش گاهان احتمالاً حدود قرن دهم ق.م است. یسن‌های هفت فصل نیز یسن‌های ۳۵ تا ۴۱ را در برمی‌گیرد که به نثر نوشته شده و پس از گاهان، کهن‌ترین بخش اوستا محسوب می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۶، صص ۳۶-۳۸).

۲. متون اوستایی متأخر، شامل بخشی از یسن‌ها و دیگر متونی است که قبلاً درباره آنها توضیح دادیم. کهن‌ترین این متون اوستایی متأخر، یعنی یشت‌های پنج، هشت و ۱۰، دست کم مربوط به قرن ششم ق.م است اما وندیداد پس از این زمان و خرده اوستا هم ظاهراً در زمان شاپور دوم ساسانی (۳۰۹ تا ۳۷۹ م) تألیف شده است (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۳۹ به بعد).

۲-۲ خط و زبان اوستایی

خط موجود اوستایی از ۵۳ حرف، ۱۴ یا ۱۶ نشانه برای مصوت‌ها و ۳۷ نشانه برای صامت‌ها تشکیل شده است. بعضی از این حروف، گونه‌های خطی یک حرف‌اند (تفضلی، ۱۳۷۶، ص ۷۰ و نک: آوانویسی ارائه شده). حروف از سمت راست به چپ نوشته می‌شوند و هر کلمه با یک نقطه از دیگری جدا می‌شود. این الفبا را با نشانه‌های مختلفی حرف نویسی کرده‌اند. در سده حاضر شایع‌ترین روش، روشی است که کریستین بارتولومه وضع کرده است. در سال‌های اخیر روش دیگری رایج شده که کارل هوفمان پایه گذاری کرده است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶، ص ۹).

در متون پهلوی این خط را دین دبیره (خط دین) نامیده‌اند و در کتاب‌های عربی، به صورت دین دفیره، دین دفیره، دین دبیره، و دین دویره آمده است (نک: ابن ندیم، ص ۲۲). تعدد حروف به کار رفته در خط اوستایی، نشان می‌دهد که، سبب ابداع آنها، ضبط دقیق روایات شفاهی اوستا، همراه با تغییرات ظریف آوایی آنها، بوده است (هوفمان، ج ۳، ص ۴۴ تا ۴۷).

الفبای اوستایی بر مبنای خط پهلوی شکل گرفته است. در خط پهلوی (که از آرامی مشتق شده) مصوت‌ها نشان داده نمی‌شود و برخی صامت‌ها از یکدیگر قابل تشخیص نیستند. از این روی برای نگارش اوستا تعدادی از حروف اوستایی را مستقیماً از خط پهلوی کتابی یا گونه کهن‌تری از این خط، که در زبور پهلوی (قرون هفتم و هشتم م) به کار رفته، برگرفته‌اند، برخی از حروف را از پیوستن نشانه‌هایی به بالا و پایین حروف دو خط مذکور پدید آورده‌اند و برخی از حروف را نیز نو آوری کرده‌اند. از آنجا که اختراع این الفبا بر اساس مجموعه حروف پهلوی صورت گرفته است، می‌توان تقریباً جایگاه آن را از نظر مکانی و تاریخی مشخص کرد زیرا فارسی میانه به عنوان زبان تعالیم دینی در مکاتب روحانی غرب ایران به کار برده می‌شد و ویژگی‌های اصلی خط آن، یعنی خط پهلوی کتابی، از قرن چهارم میلادی شکل گرفته بود. ابداع و تنظیم الفبای اوستایی ظاهراً باید در مقطعی از

دوران حکومت شاپور دوم (۳۰۹ تا ۳۷۹ م) توسط موبدان زردشتی در پارس صورت گرفته باشد (کلنز، ۱۳۸۲، صص ۷۱ و ۷۲، نیز نک: ناتل خانلری، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۷۹).

همان‌طور که گفته شد، اوستا به دو بخش اوستای گاهانی و اوستای جدید تقسیم می‌شود. این دو بخش نه تنها از نظر زمانی، بلکه از نظر زبانی و گویشی با یکدیگر متفاوتند. در واقع زبان‌های اوستایی و فارسی باستان، که اولی به شمال شرقی و دومی به جنوب غربی ایران متعلق است، از جمله زبان‌های ایرانی باستان هستند. از زبان ایرانی باستان، جز کتیبه‌ها، نوشته‌ای برجا نمانده است اما با مقایسه میان زبان اوستایی و فارسی باستان می‌توان این زبان را تا حدی بازسازی کرد. ایرانی باستان پیوند بسیار نزدیکی با زبان ودایی هند باستان دارد و هر دو از زبان هند و ایرانی یا آریایی باستان سرچشمه می‌گیرند و این یکی نیز از شاخه‌های زبان هند و اروپایی است (نک: هوفمان، ۱۹۸۸، ج ۳، ص ۵۱).

مقایسه اوستا، آن گونه که از دست‌نویس‌های مورخ ۱۲۸۰ م به این سو، به دست ما رسیده، با ودا، که واج‌های آن دقیقاً ضبط شده است، نشان می‌دهد که متن اوستا با علائم بی‌قاعده‌ای تحریر یافته است. گذشته از لغزش‌هایی که محصول بعد از دوره ساسانی است، ویژگی‌های اساسی روایت دست‌نویس اوستا بایستی پیش‌تر در الگوی کهن ساسانی ارائه شده باشد. هر یک از متون اوستا، خواه به اوستایی کهن و خواه به اوستایی جدید نوشته شده باشد، پیش از آنکه به صورت دست‌نویس‌های موجود ضبط شود، از چند مرحله گذر کرده و تغییرات بسیاری در آن راه یافته است (همان).

ساختار دستوری اوستا، همانند ساختار دستوری ودا، میراث زبان هند و اروپایی باستانی است. تفسیر متون اوستا در بسیاری موارد، هم به لحاظ محتوایی و هم از جهت دستوری، سخت دشوار است. از این رو مقایسه نظام یافته اوستا، با ودا در تبیین و شناخت ساخت‌های دستوری اوستا، بسیار مؤثر است (هوفمان، ۱۹۸۸، ج ۳، ص ۵۶). در زبان اوستایی همچون همه زبان‌های باستانی، علاوه بر فعل، اسم و صفت و ضمیر نیز در حالات مختلف نحوی، صرف می‌شود. به این ترتیب برای هر واژه، یک صورت بنیادی وجود دارد که به آن «ستاک» می‌گویند و شناسه‌های صرفی مستقیماً به این ستاک می‌پیوندند و حالات کلمه را در جمله تعیین می‌کنند. در اوستا برای اسم و صفت، سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی و سه شمار

مفرد، مثنی و جمع و هشت حالت صرفی نهادی (فاعل یا مسند الیه)، رایبی (مفعول صریح)، بایی (معنی همراه)، برایی (مفعول غیر صریح)، ازی، اضافی، دری (مفعول فیه) و ندایی وجود دارد. اما در اوستای جدید، گاهی شکل‌های صرفی به جای هم به کار می‌روند. ضمائر در اوستا به ضمائر شخصی، موصولی، پرسشی و اشاره‌ای تقسیم می‌شوند. دستگاه فعل در اوستا مانند دستگاه فعل در سنسکریت است. در اوستا دو بنای فعل وجود دارد: یکی گذرا و دیگری ناگذر. فعل گذرا یا «ساخت برای دیگران» صورتی از فعل است که در آن نتیجه فعل به دیگری می‌رسد (= متعدی) و صورت ناگذر، یعنی ساخت برای خود که در آن نتیجه فعل به خود شخص می‌رسد؛ ولی همیشه با فعل لازم در فارسی یکی نیست. بسیاری از صورت‌های ناگذر، معنی مجهول دارند. ساخت مجهول در زبان اوستایی از تقسیمات ثانوی دستگاه فعل است. فعل در اوستا جنس ندارد و در شش زمان حال، گذشته نقلی و بعید، گذشته ساده و آینده و در چهار وجه اخباری، امری، تمنایی و التزامی به کار می‌رود. صرف‌های ثانوی افعال اوستایی عبارتند از: مجهول، سببی، آغازی، آرزویی و تأکیدی. پیشوندها و پسوندها در اوستا به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند و معنی آن را تغییر می‌دهند و دیگری پیشوندهای فعلی که با فعل ترکیب می‌شوند و متناسب با معنی خود، معنی فعل را نیز تغییر می‌دهند. پسوندها هم یکی «پسوندهای اولی» است که مستقیماً به ریشه افزوده می‌شوند و از آن اسم یا صفت می‌سازند و دیگری «پسوندهای ثانوی» که مستقیماً، نه به ریشه، بلکه به اسم‌ها یا صفت‌هایی می‌پیوندند که پیش‌تر با پسوندهای اولی ساخته شده‌اند (نک: هوفمان، ۱۹۸۸، ج ۳، صص ۵۶ تا ۶۲ و ابوالقاسمی، ۱۳۸۷)

۲-۳ حروف اوستایی و آوانویسی هوفمان:

<i>ii</i>	د	γ	ع	<i>a</i>	ا
<i>y</i>	س	<i>c</i>	پ	<i>ā</i>	آ
<i>r</i>)	<i>j</i>	چ	<i>e</i>	اِ
<i>uu</i>	»	<i>t</i>	ت	<i>ē</i>	اِ
<i>v</i>	ف	ϑ	ث	<i>ə</i>	اَ
<i>s</i>	س	<i>d</i>	د	<i>ō</i>	اَو
<i>š</i>	ش	δ	ذ	<i>o</i>	اَو
<i>ṣ̌</i>	ش	<i>ṭ</i>	ت	<i>ō</i>	اَو
<i>z</i>	ز	<i>p</i>	پ	<i>ā</i>	آ
<i>ž</i>	ژ	<i>f</i>	ف	<i>a</i>	ا
<i>h</i>	ح	<i>b</i>	ب	<i>i</i>	اِ
<i>xʷ</i>	خ	β	ب	<i>ī</i>	اِ
		η	ز	<i>u</i>	اُ
		<i>ḥ</i>	ح	<i>ū</i>	اُ
		<i>n</i>	ن	<i>k</i>	ک
		<i>ŋ</i>	ن	<i>x</i>	خ
		<i>m</i>	م	<i>g</i>	گ

۴-۲ وندیداد

همان طور که گفته شد، وندیداد که ۲۲ فرگرد دارد، یکی از بخش های اوستای امروزی است و موضوع اصلی آن قوانین فقهی و تطهیر است. در واقع وندیداد، بخش سوم اوستای دوره ساسانی، به نام «دادیگ» است، که به طور کامل بر جای مانده است. کلمه وندیداد به معنی قانون ضد دیو است که تحول آن به این صورت است:

* *vi-daēva- dāta- > vidēvdāt-*

vi- پیشوندی است که در اول اسمها یا ریشه افعال، در اوستا به کار می رود و معنی جدایی یا دوری می دهد.

dāta- صفت مفعولی، به معنی نهاده شده، از $\sqrt{dā}^2$ به معنی نهادن است. از این معنی، قانون را گرفته اند.

واج (ن) که به ویدیوداد اضافه شده است، توجیه اشتقاقی ندارد و به احتمال زیاد برای راحتی در تلفظ اضافه شده است.

در دوران هند و ایرانی، دیو به گروهی از خدایان، اطلاق می شده است که پس از جدایی ایرانیان از هندیان، در زمان زردشت، از اعتبار دیوها کاسته شد و معنی خدای مطرود یا خدای غیرقابل پرستش را گرفت. بعدها به تدریج دیو از معنی خدای مطرود، به موجودات آفریده اهریمن تحول یافت. بنابراین در دوره ساسانی، هنگامی که ۲۱ نسک اوستا تدوین شد، آن قسمت از اوستا که قوانین مربوط به تطهیر از آلودگی های ناشی از موجودات آفریده اهریمن بود، نام «وی دیوداد» گرفت (داعی الاسلام، ۱۳۶۲، ص ۴).

دستنویس های وندیداد که گلدنر در مقدمه خود آورده، بدین شرح است:

- Dastur Jamshedji Edalji Jamaspasa's MSS.
- Dastur Jamshed Jamasp's MSS.
- Mobed Jamshedji Rustomji's MSS.

- Dastur Noshervanji Jamaspji's MSS.
- Dastur Rustomji Jamshedji of Surat MSS.
- Iranian MSS (written in kerman about ۱۵۸۵. AD).
- Ervad Maneckji R.Unvala's MSS. About ۱۳۷۰ AD).
- Behmanji Rustamji Mullan Firoz, Dastur in Bombay.
- Mobed Burjor Bomanji.
- Dhanjibha Framji Patel in Bombay.
- Dastur Jamaspji Minocherji Jamasp Asana M.A, Ph.D,Bombay.
- Jarasetji Bomanjee Wadia.
- Mobed Jamshedji Mankenji Unwalla.
- Dastur Jamshedji Peshotanji Sanjana, Bulsar.

- ۳ نسخهٔ k^۳ b/ k^۳ a/ k^۲/ k^۱ در کتابخانه دانشگاه کپنهاگ.

- نسخهٔ MF۲ در کتابخانه ملا فیروز در بمبئی.

- ۲ نسخه به نامهای ML^۱ و ML^۴ در:

Manekji Limiji Hataria in Tehran

- نسخه Q^۲ در:

Oxford Bodleina

- نسخه های P^{۱۰}/P^۲/P^۱ در:

Paris, in the Bibliotheque national.

